خراسان رضوی

صفحه آخر

دوشنبه
۱۶ مهر ۱۳۹۷
۲۸ محرم ۱۴۴۰
۸ صفحه/شماره ۳۹۶۳

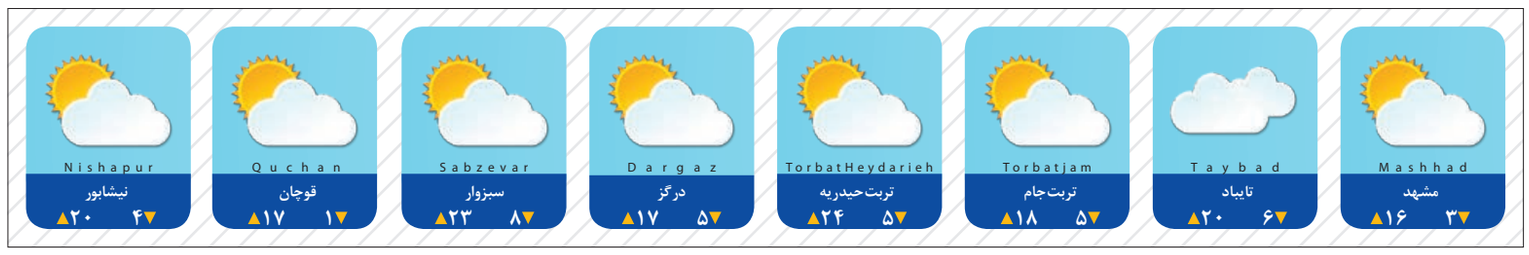

روزنامه خراسان رضوی:
رتبه یک نشریات استانی

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیرمسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: سیدعلی علوی

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید صادقی
صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۳۷۶۳۴۰۰۰-۰۵۱

نمابر دبیرخانه: ۰۵۱۳۷۶۲۴۳۹۵
پذیرش آگهی و اشتراک: ۰۵۱۳۷۰۱۰
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

چاپ مشهد: شهر چاپ خراسان
روابط عمومی: ۰۵۱۳۷۰۰۹۱۱۱
نمابر تحریریه: ۰۵۱۳۷۶۲۶۵۰۱

حکمت روز

امام رضا (ع)

هر کس اندوه و مشکلی را از مومنی بر طرف کند خداوند در روز قیامت اندوه را از قلبش بر طرف سازد.
کافی (ط-الاسلامیه) ج۲، ص۲۰۰

مناجات

خواجه عبدا... انصاری

الهی!
این چه بد تر روزی است، ترسم که مرا از تو جز حسرت نه روزی است
خداوندا!
از بخت خود چون پرهیزم و از بودنی کجا گریزم؟ و ناچاره را چه آمیزم؟
و در هامون کجا گریزم؟ کریما دل من کان حسرت است و تن من مایه درد و غم
نیارم گفت که این همه چرا بهره من نه دست رسد مرا چاره من
مرا تا باشد این درد نهانی
تو را جویم که در مانم تو دانی

با شاعران

سهراب سپهری

#مشهد #Mashhad

شهر و استان در شبکه‌های اجتماعی

رضا رفیع، طنزنویس و مجری خراسانی در صفحه اینستاگرام خود یاد عمران صلاحی شاعر، طنزپرداز و نویسنده معاصر را گرامی داشت و به بهانه آن خاطراتی از وی منتشر کرد. در بخشی از یادداشت کوتاه او آمده است:«...یادم می‌آید سال آخر هفته نامه بود(۱۳۸۱) و گاهی در محیط تحریریه چیزهایی حذف و کم می‌شد که صرفه جویی شود. مثل دیس میوه روی میز سوژه فکر کنی یک شنبه‌ها. عمران ذوقش گل کرد. شعری در این باب نوشت و داد به من(که برای اولین بار در این جا نقل می‌کنم):
ابتدا بستند روی کارمندان آب را/ بعد از آن برداشتند از میزها بشقاب را
میوه ماليد و ناهار و چای هم ماليد و رفت/ من نبينم بعد از اين شيرينی و قطاب را....»

لاله اسکندری بازیگر خراسانی که این روزها در حال بازی در سریال «رویای سهراب» است، به بهانه میلاد سهراب سپهری، این عکس را در جوار مزار او ثبت و منتشر کرد.

حکایت

ناتوانی به پهلوان زورآزمایی در یک ماجرایی ناسزا گفت. پهلوان عصبانی و خشمگین شد به طوری که بر اثر خشم، کف از دهانش بیرون آمده بود و با هیجان شدید بر سر ناسزا گو فریاد می کشید. صاحبدلی از آن جا عبور می کرد، پرسید: این پهلوان چرا این گونه عصبانی و خشم آلود شده و نعره می کشد؟
گفتند: شخصی به او دشنام داده است. صاحبدل گفت: این فرومایه، هزار من وزنه بلند می کند ولی طاقت ناسزایی را ندارد؟
لاف سر پنجگی و دعوی مردی بگذار / عاجز نفس فرومایه، چه مردی چه زنی
گرت از دست برآید دهنی شیرین کن / مردی آن نیست که مشتی بزنی بر دهنی
اگر خود بر درد پیشانی پیل / نه مرد است آن که در او مردمی نیست
بنی آدم سرشت از خاک دارند / اگر خالی نباشد، آدمی نیست

حکایت‌های گلستان سعدی به قلم روان محمد محمدی اشتهاردی

بریده کتاب

وقتی بعضی چیزها در خاطراتت یا در تصوراتت می‌پوسند، قوانین سکوت دیگر کار نمی‌کنند. این درست مثل این است که خانه دارد در آتش می‌سوزد و تو دلت می‌خواهد فراموش کنی که خانه در حال سوختن است. اما نبودن آتش هم تو را نجات نمی‌دهد. سکوت درباره یک مسئله فقط آن را بزرگ‌تر می‌کند، رشد می‌دهد و همه چیز را می‌پوشاند.

گربه روی شیروانی داغ
نویسنده: تنسی ویلیامز

دیالوگ

احسان (رضا کیانیان): وکیل‌ها حرف مفت زیاد می‌زنند، اما مفتی حرف نمی‌زنند...

«چتری برای دو نفر»
نویسنده و کارگردان: احمد امینی

به روایت تاریخ

غلامرضا آذری خاکستر

روایتی از اولین روزنامه مشهد که مورد استقبال مردم قرار گرفت

«ادب» به جای قصه شهرزاد

تقریباً بیش از نیم قرن از انتشار نخستین روزنامه در ایران می گذشت که جامعه مشهد شاهد انتشار اولین روزنامه در این شهر بود. شهر مشهد ۴۲ سال پس از تبریز، ۲۸ سال پس از شیراز و ۲۱ سال پس از اصفهان به انتشار روزنامهٔ محلی، آن هم به دست فردی غیرخراسانی توفیق یافت.[۱] از این رو، با احتساب تهران به عنوان اولین ناشر روزنامه، مشهد پنجمین شهر ایران است که در آن روزنامه منتشر شد.
بیشتر محققان عرصهٔ مطبوعات، از روزنامهٔ «ادب» به عنوان اولین روزنامهٔ شهر مشهد و خراسان یاد کرده‌اند[۲] و ادیب الممالک فراهانی نخستین روزنامه‌نگاری است که این روزنامه را منتشر و به دست مشهدی‌ها رساند. جالب است بدانید، این روزنامه که قبل از انقلاب مشروطیت منتشر می‌شد، خوانندگان و مشترکان فراوانی داشت.

اولین روزنامه‌نگار مشهدی که بود؟

محمدصادق حسینی فراهانی ملقب به ادیب الممالک فراهانی ۱۴ محرم ۱۲۷۷ق/۱۲ مرداد ۱۲۳۹ش در خانواده‌ای روحانی در گازران فراهان اراک متولد شد. او از خاندان میرزا بزرگ (عیسی) قائم‌مقام فراهانی بود. پدرش، حاجی میرزا حسین نوهٔ میرزا معصوم، متخلص به محیط، و مادرش دختر میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام، وزیر محمدشاه قاجار بود.[۳] محمدصادق در نوجوانی پدرش را از دست داد. وی پس از تحصیل، در سال ۱۳۱۴ق همراه امیر نظام گروسی که به پیشکاری کل آذربایجان منصوب شده بود، به تبریز رفت و در سال ۱۳۱۶ق، پس از افتتاح مدرسهٔ لقمانیهٔ تبریز، به عنوان معاون مدرسه استخدام شد.
ادیب الممالک در سال ۱۳۱۶ق، دورهٔ اول روزنامهٔ ادب را در تبریز منتشر کرد که پس از هفده شماره توقیف شد. وی اوایل سال ۱۳۱۸ق، پس از سفر به قفقاز و خوارزم، مدتی نزد پسر محمدامین، خان خیوه به سر برد. از آن جا به مشهد آمد تا در آستان قدس رضوی به عنوان متصدی موقوفهٔ خانوادگی قائم‌مقامی فعال شود.[۴] او که همراه خانواده‌اش در بالاخیابان (خیابان شیرازی فعلی) و کوچه باغ عنبر ساکن شده بود، برای ترویج علم و اشاعهٔ هنر و تربیت بعضی از نفوس، روزنامهٔ ادب را تهیه کرد و زیر چاپ برد.

روزنامه ۲ تومانی

پنجم دی ماه ۱۲۷۹ مطابق با چهارم رمضان ۱۳۱۸، شهر مشهد شاهد انتشار نخستین روزنامه بود. این روزنامه، چهارشنبه‌ها در هشت صفحه، در قطع ۳۰×۲۰ سانتی متر به صورت چاپ سنگی منتشر می‌شد. محل اداره روزنامه در منزل ادیب الممالک قرار داشت. بعد از قبول نمرهٔ سوم، اسامی مشترکان در دفتر اداره ثبت و در ماه ششم، وجه روزنامه از آن‌ها دریافت می‌شد. وجه اشتراک سالیانه در مشهد دو تومان، در دیگر بلاد محروسهٔ ایران ۲۶ قران، در قفقاز و روسیه شش منات، در ممالک عثمانیه سه مجیدی، در هندوستان ۱۰ روپیه و در دیگر بلاد اروپا دوازده فرانک بود؛ ضمن این که قیمت اعلان در روزنامه سطری یک قران تعیین شده بود.[۵]

سرآغاز یک مطبوعه

از نکات قابل توجه روزنامه ادب فهرست مطالب آن است که در صفحهٔ اول عناوین مقالات و گزارش‌های منتشر شده در آن آمده است. شماره اول ادب با شعری از ادیب الممالک به نام «دیباچهٔ منظوم» با این ابیات آغاز شده است.

چو دانا ز گنجینه در باز کرد / به نام خدا نامه آغاز کرد
خدایی که در مغز و هوش آفرید / تن آدمی با سروش آفرید

این منظومه در ۲۳ بیت سروده شده و به عنوان اولین شعر روزنامه درج شده است. سپس مطلبی با عنوان «بر سر آنم که گر دست برآید، دست به کاری زنم که غصه سر آید»، به قلم ادیب الممالک نگاشته شده است. در این مطلب که بیش از یک و نیم صفحه به آن اختصاص داده شده، از فواید روزنامه و اهمیت آن در اروپا سخن رفته است.
اولین خبر روزنامهٔ ادب اختصاص دارد به میرزا صادق خان، ناظم سابق پستخانهٔ خراسان که به عنوان معاون روزنامه معرفی شده است: «چون آقا میرزا صادق خان، ناظم سابق پستخانهٔ مبارکهٔ خراسان در این امر مقدس شریک و سهیم بالسویه است، از این تاریخ ایشان را معاون اداره دانسته و امیدواریم ان شاءا... با دستیاری چنین معاون محترم غیرتمندی از عهدهٔ خدمات شایستهٔ وطن برآییم». همچنین از آقا میرزا محمود ساعت‌ساز به عنوان وکیل روزنامه یاد شده است.
غلامحسین خان افضل الملک که در آن ایام

صفحه اول روزنامه ادب

محمدصادق حسینی فراهانی

سفری به مشهد داشته در وصف روزنامه نوشته است: با آن که در خراسان اسباب ترجمه و مطبعه و تربیت اجزای مناسب در کار نبود، ایشان طوری این عمل را اداره کردند که اسباب حیرت جماعتی از خواص شد. الحق روزنامهٔ ایشان محل اعتنا و اعتماد خارجه و داخله گشت. الان در خراسان به واسطهٔ انتشار روزنامهٔ ادب، ادارهٔ منظم و اجزایی معین و عایدات خوب دارند. ایالت خراسان و حکام آن سامان، کمال مهر را با ایشان دارند.[۶]

سوال «م.ع» چه بود؟

اولین سوال خوانندگان از روزنامه ادب اختصاص دارد به م.ع. که سوالی راجع به «قزلباش» و معنی و مفهوم آن پرسیده بود و به طور مفصل پاسخ آن در نمرهٔ دوم داده شد.
همچنین اولین اخبار و حوادث مربوط به شهر مشهد در روزنامه ادب، مربوط به میرزا یحیی، ناظر کارخانهٔ زواری آستان قدس رضوی است. خبر درباره آتش گرفتن انبار کاه میرزا یحیی است که بر اثر دود حاصل از آن، چهار رأس اسب و دو سر قاطر از بین رفته و منازل فوقانی و تحتانی انبار کاه بر روی هم خراب شده‌اند.[۷]

اولین خبر: درگیری اشرار با فتحعلی

اولین خبر منتشر شده از خراسان در روزنامهٔ ادب، مربوط به درگیری اشرار با فتحعلی بیگ، نایب الحکومه قریهٔ جوین از توابع بجستان است. در این درگیری نایب الحکومه به همراه یک نفر قزاق کشته و اشرار موفق به فرار می‌شوند.[۸]
از نکات قابل توجه در این روزنامه، اعلام نرخ ارتزاق در شهر مشهد است: گندم خرواری شش الی هفت تومان؛ جو خرواری سه الی سه تومان و نیم؛ نان یک من و ده سیر الی یک من و نیم، یک قران؛ آرد خرواری هشت تومان و نیم؛ زغال پسته، سه من یک قران؛ گوشت یک من سه قران و نیم؛ روغن، یازده قران؛ برنج یک من چهار قران و نیم.[۹] نقد و بررسی اوضاع و احوال شهر مشهد جزئی از برنامه‌های نویسندهٔ ادب بوده، به طوری که در یکی از ستون‌های روزنامه، به تفصیل معایب شهری پرداخته است:
«مکرر خواسته ایم از بابت تنظیف کوچه‌ها چیزی بنویسیم مجال نشده؛ حال لایحه فوق ما را متذکر کرد، چند مسئله را یادآور شویم که موجب تنفر و تعفن و تولید امراض می‌شود:
اولاً، خاکروب‌ها و خرابه‌هایی که محل انواع کثافات شهر است؛
دوم، خون حیوانات که در معابر و شوارع و قراول خانه‌ها سر می‌برند؛
سوم، لاش‌های سگ و گربه که در کوچه‌ها می‌اندازند؛
چهارم، احشا و اعما و شکمبه و روده ذبایح گاو کشی‌ها در کنار خیابان؛
پنجم، بستن اسب و استر و الاغ و گاو بر سر گذرها که علاوه بر کثافت از صدمهٔ شاخ و لگد آن‌ها اطفال و زن‌ها آسوده نیستند؛
ششم منجلاب‌ها و مرداب‌های حمامات و مدارس، خاصه در محلهٔ نوغان. امیدواریم در خصوص رفع این فقرات عنایتی شود»[۱۰]

تخفیف «ادب» برای طلاب ساکن مشهد

روزنامه ادب علاوه بر اخبار داخلی و خارجی، مقالات سودمندی درباره تاریخ و دیگر علوم هم منتشر می‌کرد تا خوانندگان را با تکنولوژی و رشد و توسعه صنعت در اروپا آشنا سازد. برخی از این مقالات عبارت بودند از: کیفیات و حالات چای، راه آهن حجاز و.... آخرین مطلب سال اول ادب، به مطلبی با عنوان «شیوع علم باعث طول حیات است»، اختصاص دارد. این روزنامه در سال اول، با انتشار ۴۸ شماره، در ۱۵ شعبان ۱۳۱۹ به پایان می‌رسد.
در سال دوم، روزنامه تقریباً به سبک سابق بود؛ فقط اندازه خط ریزتر شد تا صفحات، گنجایش بیشتری داشته باشند. همچنین، به طلاب مدارس مشهد برای اشتراک، تخفیف ویژه داده شد، به شرطی که طلاب ساکن مشهد و در مدارس سکونت داشته باشند. همچنین، اشتراک آنان کمتر از یک سال نباشد. در این صورت به آنان تخفیف داده می‌شد تا روزنامه را به قیمت سالانه دوازده قران تهیه کنند.[۱۱]

به جای قصه شهرزاد، روزنامه «ادب» می‌خواندند

«صعود جراید»، از جمله مطالب مهم روزنامهٔ ادب چاپ مشهد است که با خواندنش متوجه می‌شویم، فقط در شهر مشهد که مرکز ایالت خراسان است، حدود سیصد نسخه از روزنامه در هر هفته به مصرف می‌رسید. «اشخاصی هستند که سواد ندارند ولی روزنامه گرفته به دیگری می‌دهند که برای شان قرائت کند. زنان مقدسه و دختران دوشیزه این شهر روزنامه می‌خوانند... در قهوه‌خانه‌ها به جای قصهٔ شهرزاد و دیوزاد یا داستان بیژن و بهمن روزنامهٔ ادب قرائت می‌شود».[۱۲]
همچنین، چاپ نقشهٔ راه شوسه از مشهد به رباط شریف آباد، از اتفاقات جالب توجه سال دوم بوده است.[۱۳]

روزنامه‌ای معاف از سانسور

بر اساس اظهار نظر یکی از پژوهشگران عرصه مطبوعات، چون روزنامهٔ ادب شیوه‌ای متملقانه داشت، از سانسور معاف و بسیار مورد توجه و حمایت شاه بود.[۱۴]
آخرین شماره ادب چاپ مشهد، شمارهٔ ۱۴ سال سوم است که تاریخ ذیحجه ۱۳۲۰ را دارد. از آن پس، به علت مسافرت ادیب به تهران، روزنامه به تهران منتقل شد و شهر مشهد تا چهار سال بعد از انتشار روزنامه محروم ماند.

منابع

[۱]. نخستین‌های روزنامه نگاری ایران. رامین رسول اف. تهران: انتشارات جامعه شناسان. ۱۳۸۹، ص۶۰۳
[۲]. تاریخ جراید و مطبوعات ایران. محمد صدر هاشمی. ج۱. اصفهان: کمال. ۱۳۶۳، ص۸۷
[۳]. محمد صادق حسینی (ادیب الممالک فراهانی). سید فرید قاسمی. تهران: امیر کبیر. ۱۳۸۶، ص۹
[۴]. بلند آفتاب خراسان: یادنامه محمد تقی ملک الشعرای بهار. محمد گلبن. تهران: رسانش. ۱۳۸۰، ص۳۰۳
[۵]. روزنامه ادب، ۱۴ رمضان ۱۳۱۸، نمره اول
[۶]. سفرنامه خراسان و کرمان. غلامحسین افضل الملک. به اهتمام قدرت ا... روشنی زعفرانلو. تهران: توس. بی تا، ص۵۶و۵۷
[۷]. روزنامه ادب ۲ شوال ۱۳۱۸، ص۳۸
[۸]. همان، ۱۶ شوال ۱۳۱۸
[۹]. همان، آخر شوال ۱۳۱۸، ص۷۳
[۱۰]. همان، آخر شوال ۱۳۱۸، ص۷۲
[۱۱]. همان، ۱ رمضان ۱۳۱۹، ص۳
[۱۲]. محمد صادق حسینی (ادیب الممالک فراهانی). سید فرید قاسمی، ص۲۷
[۱۳]. روزنامه ادب، ۱۰ ربیع الاول ۱۳۲۰، ص۲۲۰-۲۲۱
[۱۴]. تاریخ مطبوعات در ایران و جهان. جهانگیر صلح جو. تهران: امیر کبیر. ۱۳۴۸، ص۱۶۱

نگاهی به اولین‌های روزنامه «خراسان»

اولین شماره روزنامه «خراسان» روز چهارشنبه اول تیرماه ۱۳۲۸ و به بهای اشتراک یک ساله (۳۰۰ شماره آن) ۲۴۰ ریال منتشر شد. تک شماره آن نیز یک ریال بود.
*اولین دفتر این روزنامه واقع در فلکه جنوبی بود.
*اولین خبر روزنامه خراسان در اولین شماره آن درباره ورود نایب السلطنه عراق، امیر عبدا... به مشهد بود.
*نخستین آگهی روزنامه خراسان در صفحه سوم شماره اول درباره سوپر رادیوست بود، همچنین در این آگهی، یخچال برقی خودکار تبلیغ شده بود.
*از جمله اولین حوادثی که خبر آن در روزنامه خراسان منتشر شد، فوت دو کارگر در چاه و درگذشت والده دکتر اقبال بود.

یادداشت

بهاره بزرگمهر

معاون شهرسازی و معماری اداره کل راه و شهرسازی خراسان رضوی

ضرورت فرهنگ‌سازی و مطالبه‌گری در حفاظت و صیانت از آثار تاریخی

بافت‌های تاریخی منعکس کننده ارزش‌های تاریخی–فرهنگی شهر بوده و شکل آن‌ها حاصل تعامل مکان (جغرافیا و بوم)، زمان (تاریخ) و باور (اعتقادات) درباره انسان و همچنین در یک پهنه زیستی در طول تاریخ است. این محدوده‌ها از دیگر پهنه‌های شهری متمایز و قابل تشخیص هستند و در این زمینه، حفظ بافت تاریخی شهرها به عنوان یک میراث فرهنگی نه تنها یک وظیفه قانونی، ملی و تضمینی برای پایداری اقتصادی ساکنان شهرها –به جهت تقویت وجهه گردشگری– است؛ بلکه در جایی که این محدوده‌ها به ثبت رسیده باشد، به نوعی حراست از حیثیت ملی محسوب می‌شود. با این حال در شرایط فعلی در صدد ناچیزی از ساخت و سازهای استان از معماری سنتی تاثیر پذیرفته است؛ از آن جا که تعریف واحدی از شاخص‌های اطلاق معماری سنتی وجود ندارد، بر همین اساس ارائه آمار کمی معماری سنتی، نوعی برخورد شعاری و کلیشه‌ای است. با این حال می‌توان این نوید را داد که زمینه‌های پایه‌ای اصلاح گرایش به سمت تقویت معماری بومی ایجاد شده است. به طوری که تغییر رویکرد مراجع حاکمیتی و از آن جمله شورای عالی شهرسازی و معماری در نگاه به مسائل کیفی کلان کشور از جمله مصوباتی همچون بازآفرینی رودکنارها، شناسایی بناهای شاخص، سامان دهی روستاهای واقع در حریم شهرها، توجه به توان ظرفیت اقلیمی در تهیه طرح‌های توسعه و عمران، تدقیق ضوابط ساخت و ساز در بافت‌های تاریخی در انطباق با ویژگی‌های بافت (که در شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مورخ ۹۶/۳/۲۲ با عنوان آسیب شناسی نحوه تفکیک اراضی در شیوه توده گذاری (ضابطه ۶۰-۴۰) مصوب شده است)، بررسی توده گذاری در بناهای مسکونی در معماری سنتی ایران و استفاده از اصول معماری بومی با رویکرد اصلاح وضع موجود و تدوین معیارها فراهم آمده و همچنین تشکیل کمیته اعتلای معماری ایران یک نمود دیگر از تلاش در این حوزه است. علاوه بر این تمهیداتی در سطوح مختلف قانون گذاری در نظر گرفته شده است که انعکاس این امر را می‌توان در مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری مورخ ۹۴/۷/۲۷ دید.
در مصوبه فوق الذکر شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، بافت تاریخی ۱۹ شهر استان به تصویب و ابلاغ رسید و اجرای مفاد آن نیز یک الزام قانونی است. ثبت بناها و محوطه‌های تاریخی و رعایت ضوابط حرایم تعریف شده آن در راستای درک فضایی درست مخاطب انجام پذیرفت. البته در صورتی که پیوندی میان فضا با ساکنان ایجاد نشود، حتی اگر در حفظ کالبد توفیقی حاصل آید، برای حفظ و احیای آن‌ها، شاهد موفقیت چشمگیری نخواهیم بود. به عبارتی باید باور کنیم که صیانت از میراث تاریخی، علاوه بر تاثیرات فرهنگی بر جامعه، برای تقویت اقتصاد گردشگری، متضمن تقویت بنیه مالی شهرها و شهروندان شان و از عوامل مهم پایداری اقتصادی خواهد بود.
این رویکرد را در مصوبات کمیسیون ماده ۵ شهرهای مختلف استان مانند بازنگری در طرح تفصیلی بافت پیرامون حرم مطهر، بازنگری در طرح گناباد با هدف حفظ کوچه باغ‌های این شهر، بازنگری در طرح محله گلستان سبزوار، بازنگری در شبکه معابر بافت قدیم شهر تربت حیدریه در زمینه حفظ بازار سنتی و امثالهم نیز شاهد هستیم.
آن چه که در مصوبات اخیر مازاد بر مفاد قانون به آن تاکید شده، جلوگیری از مداخله در بافت‌های تاریخی است. به عنوان مثال جلوگیری از تعریض‌های بی مورد در معابر یا ایجاد معابر جدید در این بافت‌ها که منجر به گسستگی در بافت و اختلال در ادراک فضایی می‌شود. نکته قابل توجه آن است که بحث توسعه، موضوعی نیست که تنها در یک رویکرد از بالا به پایین و صرفاً با تصویب قانون و ضابطه اتفاق بیفتد، بلکه آموزش و فرهنگ سازی و ایجاد مطالبه در سطح اجتماع و تقویت صدای جامعه نخبگانی در این باره، قطعا نقش بسیار مهمی در تحقق اهداف حوزه مذکور دارد. توسعه گردشگری و تقویت جامعه میزبان نیز می‌تواند یکی از زمینه‌های مهم ایجاد انگیزه برای حفاظت و صیانت از آثار تاریخی باشد. توسعه بوم گردی در سال‌های اخیر نویدی برای این موضوع بوده است.
همان گونه که گفته شد در راستای اعتلای معماری ایران و بهره‌مندی نسل‌های حاضر و آینده از یک محیط مناسب زندگی، باید با بهره گیری از اندیشه و مفاهیم مستتر در تاریخ و فرهنگ کشور مان و با توجه به مقتضیات سرزمینی در دوره معاصر، با هدف تقویت پایگاه‌های نظری و تولید و بسط اندیشه «ایران شهری» در زمینه معماری ایران، وضع ضوابط و حمایت از جریان‌های موثر بر معماری، ایجاد زمینه‌های همکاری بین المللی و مبادلات علمی و فرهنگی، برنامه ریزی با هدف ارتقای سطح آگاهی عمومی گام‌های موثری برداریم چنان که پیش از این نیز این موضوع پیگیری شده است. علاوه بر این، اولویت بخشی و حمایت از سیاست‌های بازآفرینی شهری با هدف ارتقای کیفیت زندگی در شهرها و از طریق تجدیدنظر در شیوه شناسایی محدوده‌های هدف–نظارت‌ها و مراقبت‌ها از ثروت‌های فرهنگی–تاریخی و حمایت از حفاظت باغ‌ها و زیست بوم‌های شهری و روستایی، انعکاس بارزی در مصوبات موردی شورای عالی شهرسازی و معماری کشور داشته است.
باید اذعان کرد که در احیای معماری سنتی با چالش‌هایی همچون تعریف معماری سنتی و ترجمان آن در پاسخ گویی به نیازهای جامعه امروز مواجه هستیم. به نظر می‌رسد اگر در بافت‌های تاریخی الگوهای موفقی از معماری بومی هر شهر در انطباق با نیازهای روز، ساخته شود می‌توان به حفظ و توسعه معماری بومی هر شهر و منطقه امیدوار بود. تولید آثار موفق به غیر از حیطه قانون گذاری، هدف گذاری و تربیت جامعه کارفرمایی دولتی؛ مستلزم رشد و تقویت نخبگان معماری، ارتقای کیفیت آموزش، فرهنگ سازی و ارتقای ذائقه عمومی است. البته ناگفته نماند گذر از نگاه کهنه گرایی صرف به اصل زیبایی اصیل که همیشه با فن و هنر و صنعت آمیخته بوده است می‌تواند به احیای معماری سنتی کمک شایانی کند و تحلیل معماری سنتی و استخراج فرایند تولید آن به همراه توجه به مصداق‌های عنصری و انطباق با نیازهای روز به ویژه از منظر تامین و کاهش مصرف انرژی مستلزم تغییر در آموزه‌های معماری و شهرسازی، به ویژه در حوزه‌های آکادمی و دانشگاهی است، موضوعی که باید مورد توجه متولیان این حوزه قرار بگیرد.